

اینجا درد زیاده...

رویا فتح‌الله‌زاده

و متمایز است. در مستند «روایهای دم‌صبح»، آگاهی کارگردان از مسئله بزهکاری (بر مبنای پیشینه فیلم‌سازی و مطالعات کتابخانه‌ای)، جلب اعتماد سوژه‌ها، رفت‌وآمد و برقراری ارتباط صمیمانه با آن‌ها، گفت‌وگوها و سؤال‌های هدفمند در قالب سؤالات باز، آگاهی از عواطف و چالش‌های فکری کاراکترها از نقاط قوت فیلم است که نشان می‌دهد اسکویی در انتخاب و اعمال درست روش تحقیق، موفق بوده است. او در این مستند، از روش تحقیق «میدانی» و تکنیک‌های «مصاحبه غیر ساختارمند» و «مشاهده غیرمشارکتی» استفاده کرده است.

- روش میدانی: در این روش، محقق مدتی در میان جامعه مورد مطالعه خود زندگی می‌کند و به تحقیق درباره موضوعی خاص در آن محیط می‌پردازد. محقق هیچ‌گونه دست‌کاری در محیط انجام نمی‌دهد، بلکه بدون هیچ دخالتی در جریان طبیعی رویدادها تا آنجایی که می‌تواند اطلاعات جمع‌آوری می‌کند.

- مصاحبه عمیق یا بازاندیشانه: این نوع مصاحبه مواجهه‌ای چهره به چهره و غیررسمی است و مانند یک گفت‌وگوی طبیعی میان افرادی است که روابط جافتاده‌ای دارند. در این شیوه، سؤالات کلی (و سؤالات باز) مطرح می‌شود و به مصاحبه‌شونده آزادی و اختیار کافی داده می‌شود که مقصود خود و آنچه را که خودش مهم می‌داند، بیان کند و بر اساس اظهارات او سؤال‌های بعدی مطرح می‌شود.

- مشاهده غیرمشارکتی: پژوهشگر در این نوع مشاهده درست برعکس «مشاهده مشارکتی»، در پی مشاهده

فیلم «روایهای دم‌صبح» به کارگردانی «مهرداد اسکویی» سومین بخش از سه‌گانه‌ای هستند با محوریت کودکان و نوجوان بزهکار است. مستندهای «روزهای بی‌تقویم» و «آخرین روزهای زمستان» بخش نخست و دوم این سه‌گانه است که هر دو روایتی اجتماعی از شرایط زندگی پسران بزهکار کودک و نوجوان در کانون اصلاح و تربیت ارائه می‌دهند و اکنون «روایهای دم‌صبح» در ادامه دغدغه‌های ذهنی کارگردان، بازگوکننده زندگی دختران نوجوان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت است. فیلم، با تمرکز بر زندگی و کاراکتر هفت نفر از دختران به نام‌های «خاطره»، «غزل»، «هیچ‌کس»، «معصومه»، «سمیه»، «آوا» و «فرشته» می‌کوشد مخاطب را با تصویری متفاوت از دختران بزهکار آشنا کند.

«روایهای دم‌صبح» با شخصیت‌پردازی‌های واقع‌گرایانه (برای نمونه نمایاندن شخصیت‌های واقعی و نمایشی دختران)، قصه‌گویی و ارائه نگاهی نو به مسئله بزهکاری دختران و از سوی دیگر با پژوهشی روشمند و دیدگاهی جامعه‌شناسانه نسبت به مسائلی چون فقر، اعتیاد، بزهکاری، طلاق، خانواده‌های نابسامان و دختران فراری منبعی هستند برای مطالعات علمی-اجتماعی پیرامون بزهکاری دختران و علل و عوامل آن است.

روش‌شناسی فیلم

انتخاب، کاربرد و اجرای روش تحقیق متناسب با سوژه از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری یک فیلم مستند حرفه‌ای



فرایندها و رویدادهاست و از درگیر شدن و همکاری در فعالیت‌های آزمودنی‌ها اجتناب می‌ورزد (نک ایمان، ۱۳۸۸: ۳۲۱-۳۲۰).

اسکویی در مقام کارگردان، برای ساخت این مستند چند ماه در کانون اصلاح و تربیت دختران رفت‌وآمد داشته است تا در میدان تحقیق، سوژه‌هایش را در محیط طبیعی و زندگی روزمره‌شان مشاهده و با آن‌ها ارتباط برقرار کند. در مسیر ارتباط با سوژه‌ها نیز فرایند اعتمادسازی شکل می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که دختران او را با عنوان «دایی مهرداد» خطاب می‌کنند. این اعتمادسازی میان وی و دختران کانون، در داستان «خاطره» مشهود است.

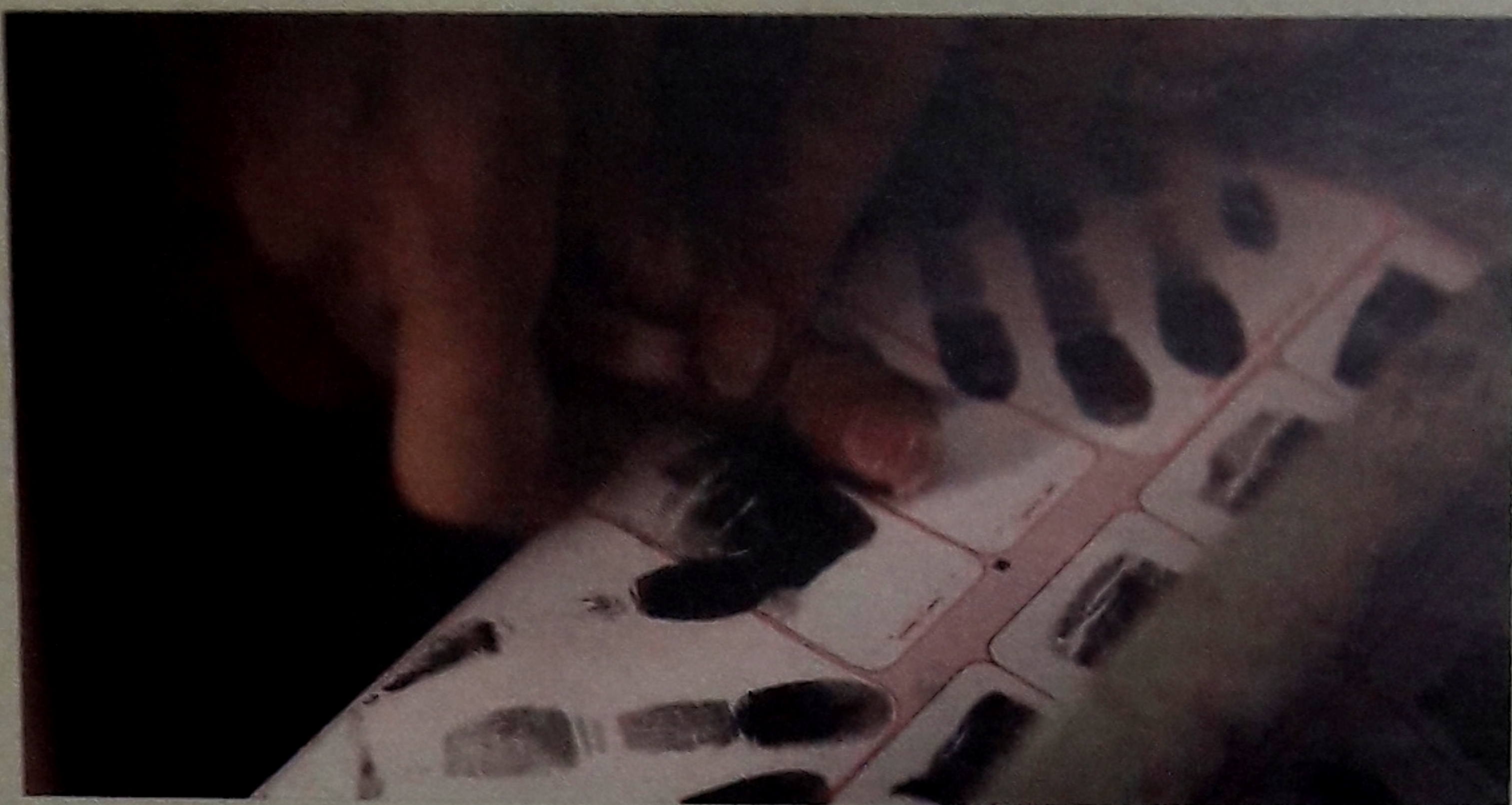
فیلم با ورود «خاطره» به کانون اصلاح و تربیت شروع می‌شود. در گفت‌وگوی یکی از مسئولین کانون با وی، زمانی که از او درباره شوهرخاله‌اش می‌پرسد، او سرش را پایین می‌اندازد و می‌گوید: «راحت نیستم»؛ اما در اواسط فیلم، او رازش را برای کارگردان بازگو می‌کند و می‌گوید که توسط شوهرخاله‌اش مورد تجاوز قرار گرفته است. هم‌چنین کارگردان در فعالیت سوژه‌ها از جمله در چیدن سفره هفت‌سین، شستن فرش کانون، برف‌بازی و شادی و جشن‌ها همکاری نمی‌کند؛ از همین روی مشاهده وی به لحاظ تکنیک تحقیق، «مشاهده غیرمشارکتی» به شمار می‌آید. از سوی دیگر مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهایش با دختران از پیش تعیین‌شده نیست و هر سؤال بر اساس پاسخ مصاحبه‌شونده طرح می‌شود. او سؤالات کلی و باز می‌پرسد و با توجه به شناختی که از کاراکترها دارد به‌جای سؤالات پی‌درپی، در زمان نیاز سکوت می‌کند تا

مصاحبه‌شونده احساساتش را در رابطه با آن سؤال بروز دهد. یکی از ویژگی‌های فیلم، فاصله‌گذاری‌های آگاهانه میان یک سؤال تا سؤال بعدی‌ست. اگر کارگردان نمی‌دانست که چه زمان سؤال بپرسد و چه زمان سکوت اختیار کند شاید «رویاهای دم‌صبح» آن‌چنان که باید شکل نمی‌گرفت. این آگاهی، محصول شناختی‌ست که یک کارگردان فیلم مستند باید از روش‌شناسی تحقیق داشته باشد.

در سکانسی از فیلم و زمان گفت‌وگو با «سمیه» کارگردان می‌گوید: «من حس می‌کنم اینجا درد زیاد»، «سمیه» پاسخ می‌دهد: «خیلی! از درودیوارش درد می‌باره!» و سکوت می‌کند؛ اما کارگردان به‌جای اینکه سؤال بعدی را بپرسد او هم سکوت می‌کند و همین‌جا نقطه اوج مصاحبه شکل می‌گیرد. سمیه سکوت را می‌شکند: «فکر کنید هر کدومشون دو تا درد داشته باشن، اینجا پر از درد»؛ دوباره کارگردان سکوت می‌کند و «سمیه» ای که تا پیش‌ازاین سرد و بی‌روح به نظر می‌رسید، احساساتش را بروز می‌دهد و دختر نوجوان رنج‌دیده‌ای می‌شود که اشک می‌ریزد و ادامه می‌دهد: «چون همشون مثل هم‌اند، همه هم‌دیگرو درک می‌کنند...».

بزهکاری

جامعه‌شناسان، «بزهکاری» را رفتاری تعریف می‌کنند که قوانین جامعه را نقض می‌کند و به همین دلیل مجازاتی برای آن تعیین شده است. «بزهکاری» معمولاً عنوان رفتار مجرمانه کودکان و نوجوانان است. عوامل گوناگونی در ایجاد بزهکاری در کودکان و نوجوانان دخیل هستند و



دارند، بیشتر آن‌ها از مناطق پایین و حومه شهر هستند و معمولاً از خانواده‌هایی می‌گریزند که اعتیاد، طلاق و گسیختگی زندگی والدین در آن وجود دارد (نک دغاقله، ۱۳۷-۱۳۵).

یکی از نظریه‌پردازان بانام «بارث»^۲ جوانان فراری را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. آن‌هایی که از فشارهای داخل خانواده که می‌تواند به دنبال یک بحران ایجادشده باشد می‌گریزند (برای مثال مشکلات مالی، تغییر در ساختار خانواده).

۲. گروهی که از کنترل یا انتظارات بیش‌ازاندازه والدین فرار می‌کنند.

۳. آن‌هایی که از شرایط سوءاستفاده فیزیکی یا جنسی می‌گریزند (نک دغاقله، ۱۳۸۹: ۱۷۵).

در فیلم هم می‌بینیم که «هیچ‌کس»، «خاطره» و «فرشته» به‌عنوان دختران فراری، سن و تحصیلات پایینی دارند. در خانواده‌ای فقیر و نابسامان بزرگ شده‌اند. «خاطره» باینکه تا پیش از تصمیم به فرار، توسط مادر مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفت و رابطه خوبی با پدرش نداشت اما هیچ‌یک از این‌ها موجب نشده بود که از خانه فرار کند. بحران وی زمانی آغاز می‌شود که توسط شوهرخاله‌اش مورد تجاوز قرار می‌گیرد. او ماجرا را به مادرش می‌گوید اما به‌جای هم‌دلی و تسکین، دوباره کتک می‌خورد و وادار می‌شود برای آبروی خانواده، سکوت اختیار کند؛ به همین دلیل تصمیم می‌گیرد خانه‌ای را ترک کند که در آن امنیت و اعتمادی نیست.

۱. Travis Hirschi
۲. Social Bond
۳. R.Barth

عوامل اجتماعی و روانی هر دو بر یکدیگر اثر می‌گذارند. یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در حوزه آسیب‌شناسی بزهکاری، «ترایس هیرشی»^۱ نام دارد. «هیرشی» در ارتباط با مسئله بزهکاری نظریه «پیوند اجتماعی»^۲ را پایه‌گذاری کرد. او بر این باور است که ناهنجاری و بزهکاری زمانی روی می‌دهد که پیوند اجتماعی میان فرد و جامعه ضعیف و گسسته می‌شود و فرد نسبت به قیدوبندهای اجتماعی کم‌اعتنا یا بی‌اعتنا می‌شود (نک اکبری، ۱۳۹۰: ۲۲۴). او در ارتباط با نظریه «پیوند اجتماعی»، پژوهش‌هایی را درباره دانش‌آموزان دبیرستان‌های کالیفرنیا انجام داد و فرضیه‌هایی را به اثبات رسانده است که مهم‌ترین آن‌ها بدین شرح است:

الف. بزهکاران دلبستگی کمی نسبت به والدین دارند.

ب. دانش‌آموزانی که در خانواده‌های ازهم‌گسیخته زندگی می‌کنند، گرایش بیشتری به بزهکاری دارند.

ج. میان بزهکاری دانش‌آموزان و پرورش در خانواده‌هایی که یک یا چند عضو آن‌ها مجرم یا بزهکارند، رابطه معناداری وجود دارد (ستوده، ۱۳۹۴: ۱۳۹).

با تأمل در این مستند نیز می‌توان به این نتیجه رسید که عواملی چون عدم دلبستگی به والدین، طلاق، نابسامانی خانواده‌ها، اعتیاد و مجرم بودن والدین یا یکی از اعضای خانواده، بستری برای بزهکار شدن هفت کاراکتر اصلی فیلم فراهم آورده است.

در فیلم می‌بینیم که «معصومه» از اینکه مورد محبت مادرش قرار نمی‌گرفت شکایت داشت و به گفته وی تاکنون مادرش او را در آغوش نگرفته و همین زمینه عدم دلبستگی عمیق میان آن‌ها شده است. پدر «خاطره» معتاد به موادمخدر است و مادرش به دلیل مشکلات عصبی مدام او را کتک می‌زده، بنابراین وی دلبستگی خاصی به والدینش نداشته است.

نابسامانی خانواده و ازهم‌گسیختگی در خانواده دختران کانون نیز دیده می‌شود. «سمیه» در خانواده‌ای پرورش یافته که هرروز شاهد ضرب و شتم مادر توسط پدر بوده است. مادر «غزل» نیز معتاد است و پس از طلاق از همسر اول (پدر غزل) با مردی ازدواج می‌کند که غزل را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد. هم‌چنین در خانواده دختران بزهکار کانون، معمولاً یک یا چند نفر مجرم هستند؛ پدر «هیچ‌کس» زندانی است و بیشتر اعضای خانواده «آوا» خلاف‌کارند و چند وقت دیگر برادرش اعدام می‌شود.

دختران فراری

دختران فراری، تعدادی از دختران هستند که به دلایل گوناگونی، مانند نابسامانی‌های خانوادگی و اعتقاد به اینکه در خانواده به آن‌ها بی‌توجهی شده است یا تحت تأثیر سازوکارهای روانی و ذهنی برای رسیدن به امنیت روانی و رهایی از سلطه والدین و فقر و... هم‌چنین یافتن شرایط مناسب‌تر از زندگی با والدین خویش بر آن شده‌اند تا خانه را ترک کنند (فرجاد، ۱۳۸۸: ۲۰۶). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بیشتر دختران فراری، سن، تحصیلات و پایگاه فرهنگی-اجتماعی پایینی

جشن و شادمانی دختران است و آهنگ و تصویر شادی دختران محو می‌شود و تصویر و آهنگ حزن‌انگیز دخترک دوباره مخاطب را به دنیای درونی و واقعی دختران کانون سوق می‌دهد.

با این تفصیل «روپاهای دم‌صبح» فراتر از مسئله بزهکاری می‌رود و با کنکاش در زندگی دختران بزهکار به نمایشی از سلسله عواملی می‌پردازد که به‌گونه‌ای زنجیروار موجب بروز یک مسئله اجتماعی می‌شود. فیلم در نمایی کلی نشان می‌دهد که چگونه یک مسئله خرد در سطح نهادی چون خانواده می‌تواند سرانجام به مسائل کلان اجتماعی مانند فرار از خانه، زنان خیابانی، رفتارهای پرخطر، بیماری ایدز و... تبدیل شود.

راست این است که «روپاهای دم‌صبح» تنها گوشه‌ای از مصائب دختران بزهکار را در مسیر زندگی‌شان نمایانده است و چه رازهایی که در دل خاک کرده‌اند!



پیامدهای فرار و آسیب‌پذیری:

فرار از خانه برای دختران پیامدهای ناگواری به همراه دارد که از آن جمله می‌توان ترس از بازگشت به خانه و درگیر شدن با انواع بیماری‌ها را ذکر نمود.

۱. ترس از بازگشت به خانه و برچسب فراری: باورهای سنتی حاکم بر خانواده ایرانی موجب می‌شود که هرگونه فرار از جانب دختران مترادف با شکست قداست خانواده تلقی شود و این امر باعث می‌شود که فراریان به راحتی به خانه راه داده نشوند. شاید در روزهای اول افرادی باشند که قصد بازگشت به خانه را پیدا می‌کنند اما برخوردهای نابخردانه خانواده هیچ‌گونه راه بازگشتی را برای فراریان باقی نمی‌گذارد. در چنین شرایطی اگر بازگشتی صورت پذیرد برچسب «فراری» از سوی خانواده و اطرافیان، فرد را تا آخر عمر رها نخواهد کرد (معیدفر، ۱۳۸۹: ۱۴۰). در این مستند نیز نمود ترس از بازگشت به خانه را می‌توان در رفتار یکی از دختران فراری کانون به نام «فرشته» مشاهده نمود. زمانی که کارگردان به‌سوی وی می‌رود تا آزادی‌اش را تبریک بگوید؛ از او می‌پرسد: «فکر می‌کنی الان بری خونه چه جوری ازت استقبال می‌کنند؟» و او با لحنی حزن‌انگیز پاسخ می‌دهد: «استقبال! با زنجیر می‌بندنم، بعد با کتک هم استقبال می‌کنند!».

۲. درگیر شدن با انواع بیماری‌ها: معمولاً دختران فراری، ناخواسته در مسیر انتخاب رابطه جنسی برای بقا و اعتیاد به مواد مخدر قرار می‌گیرند. در نتیجه احتمال ابتلای آن‌ها به بیماری‌هایی چون «ایدز» و «هپاتیت» وجود دارد (همان، ۱۴۳). در فیلم نیز در یکی از جلسات آموزشی کانون زمانی که به دختران در مورد انواع بیماری‌ها از جمله «ایدز» و خطر آن برای فرزندان‌شان آموزش داده می‌شود بیشتر دختران خواستار انجام تست بیماری «ایدز» بودند که همین مسئله می‌تواند شاهدی بر این مدعا باشد که بیشتر دختران فراری در مسیر رفتارهای پرخطر قرار می‌گیرند. در مستند «روپاهای دم‌صبح» درست زمانی که مخاطب فکر می‌کند این یک پایان‌بندی ساده است و قرار است فیلم با تصویر جشن نوروز تمام شود، در همان لحظه دوربین به پشت سر دختری می‌رود که در حال تماشای

منابع

- اکبری، ابوالقاسم، مینا اکبری، آسیب‌شناسی اجتماعی، چ اول، تهران: رشد و توسعه، ۱۳۹۰
ایمان، محمدتقی، مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، چ اول، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸
دغاقله، عقل، سمیرا کلهر، آسیب‌های شهری در تهران، چ اول، تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۸۹
ستوده، هدایت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، چ ۲۴، تهران: آوای نور، ۱۳۹۴
فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی اجتماعی، چ اول، تهران: علم، ۱۳۸۸
معیدفر، سعید، مسائل اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر)، چ اول، تهران: علم، ۱۳۸۹

+ روپاهای دم‌صبح

پژوهشگر و کارگردان: مهرداد اسکویی، تصویربردار: محمد حدادی، صدابردار: پارسا کریمی، تدوینگر: امیر ادیب‌پور، صداگذار: حسین مهدوی، آهنگساز: افشین عزیزی، دستیاران کارگردان: علیرضا قاسمی، سیاوش جمالی و عطا مهرداد، مدیرتولید: وحید حاجی‌لویی، عکاس: صادق سوری، تهیه‌کننده: مهرداد اسکویی، ۷۶ دقیقه، ۱۳۹۴